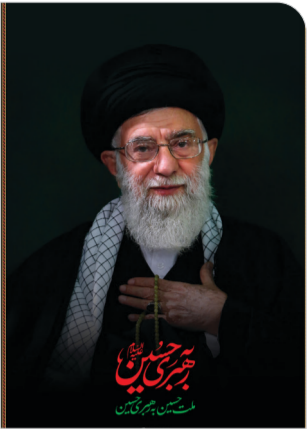




مجموعه پیام های تبیین بیرون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام نهم

حفظ همه آرمان‌های انقلاب، ضامن بنیادین انقلاب شده‌است



در دنیا نظام‌های برآمده از انقلاب عموماً بعد از انقلاب و تشکیل حکومت، به واسطه دلایل مختلف، امکان پیگیری و تحقق همه شعارهای خود را پیدا نمی‌کنند. شعارهای انقلاب‌های بزرگ عموماً از درون یک تجربه تاریخی از مطلوبیت‌ها و ارزش‌های عمومی جامعه بالآمده و در مطلوبیت‌های عمومی تثبیت می‌شوند. چون ریشه این شعارها و آرمان‌ها، تاریخی و فرهنگی هستند؛ لذا امکان حذف یا نادیده‌گرفتن آنها می‌تواند باعث استحاله انقلاب و یا ازبین‌رفتن پشتوانه مردمی آن می‌شود. عموم انقلاب‌ها و حکومت‌ها در ابتدا شعارها و مطلوبیت‌های مختلفی را مطرح می‌کنند، اما در عمل چون امکان تحقق آنها را ندارند، روی یک شعار و یک آرمان به عنوان نقطه ثقل حکومت متمرکز می‌کنند و بقیه آرمان‌ها را در آنها مستحیل می‌کنند. از طرفی عموم انقلاب‌های بزرگ، تعداد شعارهایشان محدود - نهایتاً سه تا چهار آرمان است؛ اما انقلاب اسلامی به واسطه تاریخ و تمدن بزرگ ملت و تجربه تاریخی خود، آرمان‌ها و شعارهای متعددی داشته و در این زمینه با انقلاب‌های بزرگ دیگر تمایز اساسی دارد. عدالت، استقلال، آزادی، مردم‌سالاری، اسلام‌خواهی، ملی‌گرایی، پیشرفت، وحدت اسلامی، استکبار و استعمارستیزی، حمایت از مظلومین و مستضعفین و… از درون تاریخ، فرهنگ و تجربه تاریخی این ملت برآمده و در انقلاب و قانون اساسی متبلور شدند. حفظ و زنده نگه‌داشتن هم‌زمان همه این آرمان‌ها، برای یک حکومت و رهبری یک انقلاب یک انتحار سیاسی است و هیچ حکومت و انقلاب مشابهی در جهان وجود ندارد که این تعداد آرمان را به طور هم‌زمان برای حرکت خود انتخاب و حفظ کرده باشد. اما در تجربه انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب نه تنها از همه شعارها و آرمان‌های انقلاب کوتاه نیامدند، بلکه در عمل، جامعه و مردم خود را نیز با تجربه هم‌زمان حفظ و پیشبرد آن آرمان‌ها رشد دادند. در میدان عمل، میان این آرمان‌ها، تخالف‌ها و تعارض‌های زیادی ایجاد می‌شود و فقط هوشمندی و پایمردی بر آنها در تجربه عملی می‌تواند چنین موقعیتی را برای یک انقلاب و مردم آن به وجود آورد. اگر فقط بخشی از این آرمان‌ها به حاشیه می‌رفت، امکان بقای انقلاب و وجود نظام جایگزین توسط بخشی از جامعه ممکن بود؛ اما انقلاب اسلامی با حفظ همه آرمان‌های خود، بدیل‌های خود را در جامعه از بین برده است. خارج این آرمان‌ها آرمانی برای مردم برای تغییر وجود ندارد!

پیام دهم

همه مقدمات و لوازم جنگ را آقا با مدیریت خودش

مهیا کرده است

جنگ تمام‌عیار ایران و امریکا نقطه عطفی بود که سال‌ها امام شهید، امام خامنه‌ای، ایران را برای آن آماده کرده بود. جنگی که معادلات قدرت در جهان را جابه‌جا کرده و ایران را تبدیل به قدرتی بلامنازع در منطقه و همچنین در سطح جهانی می‌کند. جنگ با امریکا برای قدرتمندترین کشورهای دنیا نیز کابوسی وحشتناک است که حتی تصور آن را نیز به مخیله خود راه نمی‌دهند. امام خامنه‌ای شهید به مدد الهی و با عنایت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه در مراحل مختلف، مردم ایران را برای این جنگ تعیین‌کننده جرئت بخشیده و آماده ساخته و قدرت ایستادگی در مقابل بزرگ‌ترین فتنه‌ها و آشوب‌ها را در میان مردم نهادینه ساخته است. شهید خامنه‌ای، زیر ساخت‌های نظامی مورد نیاز برای این جنگ را با وسواس و در طول زمانی طولانی تجهیز کرده است. افتخار آفرینی موشک ایرانی، قدرت بی‌نظیر پهپادهای ایرانی، قدرت جنگ الکترونیک ایران، پدیده‌ای در طول بیش از سه دهه رهبری ایشان برای این روز آماده شده بود. ایشان طرح، نقشه و برنامه عملیات را با مشارکت بخش‌های مختلف نظامی تهیه کرده و در سازمان و بدنه نیروهای نظامی نهادینه نموده است.

حتی پیشرفته‌ترین کشورهای غربی نیز قدرت کنترل تکانه‌های جنگ بر فروپاشی اقتصاد خود را ندارند. ایشان در طول چندین دهه، ایران را تبدیل به قدرت مستقل اقتصادی کرد. عراق با جمعیت نصف ایران و با زمین حاصلخیز در میان دجله و فرات و در میانه دو حمله امریکا، به معادله نفت در برابر غذا رسیده بود. ایران امروز در ماه رمضان در حال جنگ است و نه تنها بازار محصولات کشاورزی و دامداری بلکه بازار محصولات صنعتی او دچار فروپاشی و بحران نشده است. برای دیدن این حرکت کلان کشور، باید از سطح کوتاهی‌های برخی مسئولین بالاتر رفت. تصویر هوایی از اقتصاد ایران، استقلال اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را به‌وضوح نشان می‌دهد. ایران سال‌هاست به پیشرفت در سایه تحریم‌های چندلایه امریکایی عادت کرده و شرایط جنگ، متغیر جدیدی وارد این معادله نمی‌کند. معماری این اقتصاد در ظرف تحریم، هنر بزرگ‌مد تاریخ ایران، سید علی خامنه‌ای شهید است؛ البته نوسانات اقتصادی ناشی از جنگ امری طبیعی است. از همه مهم‌تر اینکه ایشان بدنه مدیران ارشد کشور را با همه تنوعات و طیف‌های گوناگون از ابتدای رهبری خود قدیم‌به‌قدم آماده این جنگ نموده است. امروز همه مسئولین به شکلی منسجم موقعیت جنگ تعیین‌کننده کنونی ایران در افق راهبردی برای تبدیل شدن به قدرت تعیین‌کننده جهانی را به خوبی درک می‌کنند. این توفیق محقق نشد جز با ایمان امام شهیدمان به فرمان الهی که همانا «قدرت خود تا نهایت هراتچه که در توان دارید برای نبرد مهیا کنید» (وَاعْتَدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ).

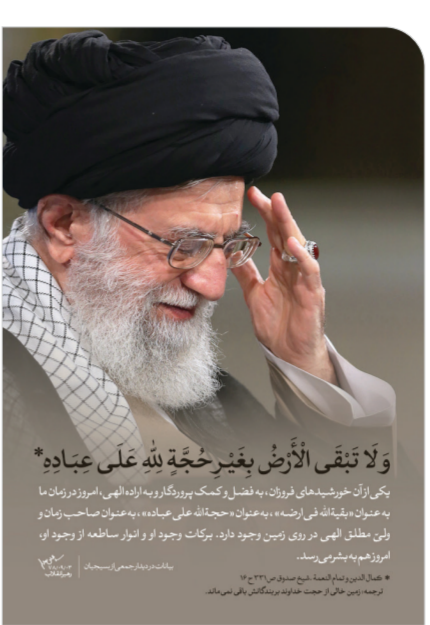


مجموعه پیام های تبیین بیرون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام یازدهم

ارتقای رهبری نظام هموارد با مدد روحی و معنوی

حضرت ولی عصر (عج) بوده‌است



عمل صالح در هر مقطع بوده است؛ همان‌گونه که درگذشته نیز، آمادگی قلبی و عملی، بستر نزول این عنایت بوده است.

اکنون نیز که کشور درگیر جنگ تحمیلی مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است، همین سنت الهی و عنایت امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه برقرار است. بدون هیچ‌گونه شک‌وتردید، دست یاری و پشتیبانی صاحب‌الزمان، ایران و مردم آن را یاری خواهد کرد. این یاری الهی، پاسخی است به ایمان راسخ مردم و حضور شجاعانهٔ آنان در صحنهٔ نبرد.

نکتهٔ حیرت‌انگیز، عزم آهنین این ملت است؛ طراحی دشمن این بود که پس از شهادت رهبر انقلاب فروپاشی درونی رخ دهد؛ اما این شهادت منجر به حضور گسترده‌تر و پویاتر مردم در صحنه شد. این ایستادگی و حضور آگاهانه، گواهی بر صدق این کلام است؛ بنابراین، با قاطعیت و یقین می‌توان گفت در این برههٔ سخت همانند گذشته، یاری امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه قطعاً و حتماً در کار خواهد بود و این کشور با تکیه بر این عنایت الهی، سربلند و پیروز از میدان خواهد خارج شد.

پیام دوازدهم

مسئله اصلی در زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج)،

تکامل قدرت اسلام است

مسئلهٔ بنیادین و محوری در بحث زمینه‌سازی ظهور حضرت بقیهٔ‌الله الاعظم (ارواحنا فداه)، فراتر از صرف انتظار، در امر حیاتی تکامل قدرت اسلام متمرکز است. این دیدگاه، یک چارچوب عملی و استراتژیک برای حرکت جامعه اسلامی فراهم می‌آورد.

در مسیر فهم زمان ظهور، یکی از موضوعات همواره چالش‌برانگیز، تلاش برای انجام تطبیقات جزئی است که گاهی در روایات ذکر شده با مصادیق و شخصیت‌های معاصر صورت می‌گیرد. این نوع تأویل‌های نقطه‌ای، همواره موجب اختلاف‌نظر و گاهی انحراف از مسیر اصلی شده است.

سیره و منش رهبر کبیر و رهبر شهید انقلاب اسلامی، امام خمینی ره، همواره بر پرهیز از این تطبیقات مصداقی تأکید داشته است. این دو ایبرمد تاریخ، با درایت و ژرف‌نگری، مسیر را بر تکیه بر کلیات مورد اشاره و قطعیات اسلام در روایات بنا نهادند؛ اصولی که مسیر فهم را روشن و عمل را متمرکز می‌سازند. یکی از مهم‌ترین و موردتأکیدترین این کلیات، مسئلهٔ «قدرت‌افزایی برای اسلام» است. این بدان معناست که تحقق مقدمات ظهور، مستلزم آن است که جهان اسلام در سطح نظامی، اقتصادی، فرهنگی و فکری به چنان جایگاهی از قدرت و اقتدار دست یابد که شایستهٔ میزبانی و پشتیبانی از حکومت جهانی مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه باشد. جامعه اسلامی باید به نقطه‌ای از بلوغ و استحکام برسد که بتواند پرچم حق را در سطح جهانی برافرازد.

براین‌اساس، وظیفه ما در این دوران حساس، یعنی در این جنگ پیچیده‌ای که پایه‌های قدرت اسلام در آینده را تثبیت خواهد کرد، آن است که با هوشمندی کامل، از درگیری‌های فرعی ناشی از تطبیقات دور شویم و تمام توان خود را صرف تثبیت و تعمیق پایه‌های قدرت اسلام نماییم. هر گامی که در مسیر ایجاد استحکام برای کبان اسلام برداشته شود، گامی مؤثر در جهت تسهیل امر ظهور و فراهم‌آوری زمینه ظهور آن منجی عالم خواهد بود. متمرکز بر تقویت بنیان‌های درونی و قدرت بیرونی اسلام، همان حرکت در مسیر قطعی روایات برای استقبال از فرماندهی نهایی است.



مجموعه پیام های تبیین بیرون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام سیزدهم

خدا هست پس نصرت خدا هم هست

شیعیان همواره بر رابطه محکم و استوار با ولی‌فقیه که مجری حاکمیت الهی است، تأکید دارند. این پیوند، ستون فقرات هویت دینی و سیاسی ما را تشکیل می‌دهد. اما در روزهای دشوار پس از شهادت رهبر معظم انقلاب، باید آگاه باشیم که این مسیر با فداکاری جان رهبر عزیزمان پایان نمی‌یابد. اصل استمرار ولایت الهی نشان می‌دهد که این نظام، وابسته به یک شخص نیست، بلکه جریانی است که خداوند آن را اداره می‌کند و با رحلت هر امام یا فقیه، تکالیف الهی متوقف نمی‌شود. تاریخ نظام جمهوری اسلامی نیز بر این استمرار صحه گذاشته است. وقایع سال شصت و شهادت مسئولان نظام نوپای اسلامی ایران، نه تنها موجب توقف حرکت نظام نبود؛ بلکه به تعبیر رهبر شهید انقلاب، باعث سرعت گرفتن در مسیر مبارزه و انقلاب شد.

باید توجه کرد که ما در دوران غیبت کبری زندگی می‌کنیم و تحت ولایت امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه قرار داریم و شهادت ولی‌فقیه به عنوان نایب بر حق ایشان، تنها نوعی تغییر در مرجعیت اجرایی است. قطعاً فقدان شخصیت برجسته‌ای همچون شهید آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای، به حق یک ضایعه عظیم برای امت اسلامی است؛ اما باید توجه کرد که این انقلاب، تحت عنایات ویژه حضرت حجتعلیه السلام قرار دارد و لطف خداوند متعال از این مسیر به جامعه مسلمانان، هرگز قطع نمی‌شود. وظیفه ما به عنوان منتظران واقعی، حفظ استقامت و عدم ناامیدی است. ما باید بدانیم که این شهادت‌ها، بخشی از سنن الهی و آزمایش‌های ایمان ملت است، همان‌گونه که اهل بیتعلیهم السلام، بارها با فقدان یاران و انواع شهادت مواجه شدند. این مصائب برای آزمون استقامت و تقویت اراده ملت است. ما باید همان‌طور که ائمه ما در سخت‌ترین شرایط صبر جمیل ورزیدند و به خدا متوکل بودند، در برابر این مصیبت بایستیم. تکالیف دینی ما همچنان باقی است. حفظ بیعت با رهبر شهیدمان و آرمان‌های انقلاب و تلاش برای حفظ دستاوردهای آن که خون شهدا در آن ریخته شده است همچنان جریان دارد. نباید اجازه دهیم که دشمن با القای ناامیدی، مکتب ما را به انزوا بکشانند.

ما باید به قرآن و عترت پناه ببریم و بدانیم که تداوم راه رهبر شهیدمان، به وحدت و انسجام ما وابسته است. باید با صبر و هوشیاری، با حفظ مکتب و ادامه‌دادن راه شهدا، به دشمنان نشان دهیم که نه‌تنها ناامید نشدیم، بلکه با اراده‌ای قوی‌تر، مسیر حق را ادامه می‌دهیم. صبر و توکل بر خدا، کلید عبور از این فتنه و حفظ استمرار ولایت و نظام اسلامی است. مطمئناً استقامت ما، سبب نزول نصرت و رحمت الهی است و امروز چه خوب است شنیدن سخن رهبر شهیدمان در نمازجمعه نصر که فرمودند: «ناامید و پربشان نشوید؛ در مسیر مبارزه تردید نکنید؛ بر تلاش و توان خود بیفزایید؛ همبستگی خود را دوچندان کنید؛ در برابر دشمن متجاوز و متعزّض با تقویت ایمان و توکل مقاومت کنید و او را ناکام بگذارید.»

پیام چهاردهم

نظام برای سناریوهای مختلف آماده است



معظم انقلاب، هرچند ضایعه‌ای بزرگ است، اما هرگز به معنای فروپاشی و توقف نظام نیست، زیرا نظام، فراتر از اشخاص، ساختاری مستحکم و منعطف دارد. نکته کلیدی این است که قانون اساسی ما برای جلوگیری از هرگونه خلأ قدرت، تداوم جانشین‌پذیری و فرآیند قانونی انتخاب رهبر جدید، تدابیری را پیش بینی کرده است. نقش شورای رهبری برای مدیریت امور در زمان بحران، از این موارد است.

در حوزه نظامی نیز، ساختار فرماندهی کل قوا زنجیره‌ای است و در غیاب راس فرماندهی نیز، امر به فرماندهان زیرین تفویض شده و شورای عالی دفاع نیز آماده برای تصمیم‌گیری‌های فوری است. انتخاب چند لایه جایگزین‌ها و تعیین سناریوهای مختلف و دستورالعمل‌های مشخص، مواردی از این دست است. این آمادگی تنها محدود به ساختار حکومتی نیست؛ در حوزه اقتصادی نیز تدابیر لازم برای مدیریت امور حتی در شرایط خیلی سخت تعبیه شده است و چرخه‌های تولید و توزیع حتی در شرایط شوک‌های بزرگ نیز از کار نخواهد افتاد.

نظام برای مقابله با سناریوهای ترکیبی از جمله ترور رهبری، از سال‌ها پیش طرح‌های واکنش سریع را در لایه‌های امنیتی و دفاعی خود تعریف کرده است. همچنین ساختار مدیریتی توزیع شده و غیر متمرکز توانسته است راهبرد ترور دشمنان را تحد زیادی بی‌اثر کند و ما در میدان نیز عملاً مشاهده می‌کنیم که در حالی که فرماندهی کل قوا و برخی سران نظامی و امنیتی کشور به شهادت رسیدند، هیچ خللی در امور کشور پیش نیامد و هم اکنون مدیریت کامل صحنه و نبرد را به خوبی می‌توان مشاهده کرد.



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	شهادت آیت‌الله خامنه‌ای ایده مرکزی انقلاب اسلامی را بیمه کرد
۵	پیام دوم	وجه پیروزی‌بخش شهادت رهبر شهیدمان در بیعت‌کردن ایشان با دشمن است
۶	پیام سوم	این ابتلای بزرگ، نشان‌دهنده‌ی بلوغ و رشد مردم ایران است
۷	پیام چهارم	افتخار فرماندهی کل قوا با شهادت در دفتر ایشان تجلی یافت
۸	پیام پنجم	عدم پذیرش ولایت طاغوت، حقیقت دین است
۹	پیام ششم	نظام جمهوری اسلامی وابسته به شخص نیست و از عهده اداره جنگ برمی‌آید
۱۰	پیام هفتم	ملت ایران، درس‌های اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است
۱۱	پیام هشتم	سبیل عزاداری مردم، اقلیت سازمان‌یافته دشمن را متزلزل ساخته است
۱۲	پیام نهم	حفظ همه آرمان‌های انقلاب، ضامن بنیادین انقلاب شده است
۱۳	پیام دهم	همه مقدمات و لوازم جنگ را آقا با مدیریت خودش مهیا کرده است
۱۴	پیام یازدهم	ارتقای رهبری نظام همواره با مدد روحی و معنوی حضرت ولی‌عصر(عج) بوده است
۱۵	پیام چهاردهم	مسئله اصلی در زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج)، تکامل قدرت اسلام است
۱۶	پیام سیزدهم	خدا هست پس نصرت خدا هم هست
۱۷	پیام چهاردهم	نظام برای سناریوهای مختلف آماده است

۱

نبرد سرنوشت؛

فتوح خون

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون

جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران

۱

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های نبی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

شهادت آیت‌الله خامنه‌ای ایده مرکزی انقلاب

اسلامی را بیمه کرد



ایدۀ مرکزی انقلاب اسلامی توحید به معنای «نفی عبودیت غیر خدا» و در نتیجهٔ «نفی دستگاه استکبار و نظام سلطۀ جهانی» است. این ایده اگرچه ظاهری سلبی دارد، اما مبدا و سرآغاز همهٔ سخن‌ها، طرح‌ها و حرکت‌های ایجابی انقلاب اسلامی برای آبادانی و پیشرفت ایران است. اساساً آن نقطۀ مزیتی که جمهوری اسلامی را از همهٔ

دولت . ملت‌ها در دنیای امروز ممتاز می‌سازد، این است که در مقام یک دولت رسمی، در برابر استکبار و نظام سلطه تسلیم نمی‌شود.

همواره این پرسش وجود داشته که جمهوری اسلامی تا کجا بر روی این ایدۀ مرکزی خود خواهد ایستاد؟ به عبارتی دیگر، چه میزانی از هزینه اگر به وجود آید، جمهوری اسلامی از این ایده کوتاه می‌آید و تسلیم‌شدن در برابر آمریکا و نظام سلطه را می‌پذیرد؟ شاید گمان خیلی‌ها در داخل و خارج کشور این بود که اگر هزینهٔ ایستادن بر روی این ایده، جان رهبر انقلاب اسلامی را به خطر بیندازد، جمهوری اسلامی کوتاه خواهد آمد و به آن تن خواهد داد. شهادت آیت‌الله خامنه‌ای تمام این فرضیه‌ها را باطل کرد و با همه چه دوستان، چه دشمنان، چه در درون و چه در خارج از کشور. اتمام حجت کرد؛ هیچ حظ قرمزی نمی‌تواند موجب شود جمهوری اسلامی از ایده مرکزی خود صرف‌نظر کند. ایستادن تا پای جان و شهادت رهبر معظم انقلاب نشان داد که جمهوری اسلامی ولو به قیمت از دست‌دادن رهبر نظام باشد، از این ایده کوتاه نمی‌آید. خون آیت‌الله خامنه‌ای در حادثۀ ۹ اسفند ۱۴۰۴، ایدۀ تسلیم‌نشدن در برابر استکبار» را برای همیشه در انقلاب اسلامی بیمه کرد. همه متوجه شدند که مسئلهٔ تسلیم‌نشدن در برابر استکبار، ایدۀ وجودی جمهوری اسلامی» است؛ تسلیم‌شدن در برابر استکبار «وجود» و «بودن» جمهوری اسلامی را بی‌معنا و بی‌اعتبار می‌کند. حتّی‌جان حفظ زعیم شیعه و رهبری نظام نمی‌تواند مصلحتی برای عبور از این امر وجودی ایجاد نماید. این ترجمانی است بر جمله‌ای که در بیانیهٔ گام دوم انقلاب بر آن تأکید شده بود: «برای جمهوری اسلامی مهم است که چرا بماند و چگونه بماند».

پیام دوم

وجه پیروزی بخش شهادت رهبر شهیدمان در

بیعت نکردن ایشان بادشمن است



در دستگاه الهی، پیروزی به معنای کشورگشایی و غارت منابع ملت‌ها نیست؛ آنچه در دستگاه الهی فتح و پیروزی معنا می‌شود، نابودی بسترها، ساختارها، قوانین و عرف‌های برآمده از اولیای طاغوت و دستگاه مستکبرین است. اینکه رهبر کبیر انقلاب با شجاعت تمام، سال‌های سال در برابر دستورها و دستورالعمل‌های آمریکا مخالفت کرد و تا لحظه آخر حاضر به بیعت با آمریکا نشد، باید در این فضای مفهومی فهمیده شود که اساساً مبارزه رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی با مستکبرین عالم، برای برهم‌زدن قواعد استکباری آنها بوده است. قواعدی که طبق آن، هیچ کشوری جرئت مخالفت با دستورات آمریکا را نداشت و چنانچه ایشان بر اثر فشارهای متعدد دشمن، حاضر به هر شکلی از بیعت با آمریکا می‌شدند، عملاً از مواضع خود کوتاه آمده و ایشان نیز مثل باقی دولت‌های دیگر، به قواعد طاغوت تن داده بودند؛ بنابراین رهبر شهید انقلاب که همچون عموم مردم، خود و برخی از افراد خانواده‌اش در این مسیر شهید شدند، موفق شد مقاومت در برابر قواعد ولایت طاغوت را تثبیت کند و پیروزی مهمی را رقم بزند. همچنین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که دست‌پرورده رهبر انقلاب هستند، با مقاومت نظامی گسترده‌ای که علیه رژیم جعلی اسرائیل و آمریکای خون‌خوار انجام می‌دهند، قدمی مکمل در برچیدن قواعد طاغوت برمی‌دارند که همگی به معنای فتح و پیروزی جریان حق است. امروز به لطف خداوند، شواهد و نمونه‌های فراوانی وجود دارد که مقاومت‌های ایران، امکان مقاومت سایر ملت‌ها و دولت‌های جهان با استکبار را فراهم آورده است. این تزلزل در ساختارها و قواعد استکباری، بخشی مهم از پیروزی جریان حق است که خداوند به برکت آن، امداد بیشتری را به جریان حق اعطا کرده و قدرت آنها در منطقه و جهان افزایش می‌دهد.

۳

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های نبی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

این ابتدای بزرگ، نشان‌دهندۀ بلوغ و رشد مردم

ایران است



یکی از انگاره‌هایی که در هنگام مواجهه با فقدان شخصیت‌های بزرگ و عموماً ابتلانات بزرگ در افکار عمومی امکان طرح دارد، این است که حوادث، واقعه را به‌مثابه عذاب و عقاب الهی تصوّر کنند. در مورد حادثۀ بزرگ شهادت آیت‌الله خامنه‌ای نیز ممکن است برخی این‌طور تصوّر کنند که خدای متعال به‌خاطر قدرشناسی، این نعمت را از مردم ایران

دریغ کردند. چنین انگاره‌ها و تصوّرهایی با اقیمات مواضع رهبر انقلاب دربارهٔ مردم ایران سازگار نیست. رهبر شهید انقلاب در بخش پایانی پیامی که به مناسبت صدسالگی حوزه‌های علمیه در اردیبهشت‌ماه امسال صادر کردند، بدبینی به مردم ایران را هم غلط دانستند و هم از آن نهی کردند. پیام‌های هفته‌های پایانی عمر شریف ایشان دربارهٔ راهپیمایی ۲۲ دی و ۲۲ بهمن نیز به‌طور روشنی حاکی از رضایت و خشنودی ایشان نسبت به ملت بزرگ ایران است. اگر با نظر خوش‌بینی به مردم ایران بنگریم، که هم سنت امام خمینی و هم سنت رهبر شهید انقلاب بود و واقعیت‌های اجتماعی نیز موید آن است. ابتلانات بزرگ نه تنها عذاب و عقاب الهی نیست، بلکه نشان‌دهندۀ بلوغ و رشد مردم ایران است. مطابق الهیات شیعی و سنت‌های الهی، وقوع ابتلانات برای یک قوم که همراه با مصیبت و فقدان و دشواری است، بستری برای خیزش، کمال و ارتقای آن قوم می‌شود. مردم ایران طی سال‌های اخیر تحت‌فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، روانی و شناختی بسیار سنگینی از سوی دشمنان بوده‌اند و فقدان‌های بزرگی همچون شهید سلیمانی، شهید ریسی، شهید نصرالله و جمع بزرگی از فرماندهان، دانشمندان و مردم را با سربلندی پشت سر نهاده‌اند. ملتی که از این آزمون‌ها و داغ‌های بزرگ عبور کرده باشد، ملتی «رشید» و «بالغ» است. چنین جامعه‌ای اگر با ابتلانات بزرگ‌تری روبه‌رو می‌شود، برای ورود به لایه‌های بالاتری از کمال انسانی و اجتماعی است. اگر با این چشم به شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی بنگریم و امیدوارانه استقامت کنیم، ملت ایران در آستانۀ فتوحات و گشایش‌های بزرگ قرار دارد.

پیام چهارم

افتخار فرماندهی کل قوا با شهادت در دفتر ایشان

تجلی یافت



شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، در دفتر کار و درحالی‌که ایشان در پناهگاه حضور نداشتند، به وقوع پیوست؛ امری که ابهاماتی را پیرامون عدم حضور ایشان در پناهگاه شکل داده است. دلایل عدم حضور ایشان را می‌توان این‌گونه برشمرد که اولاً ایشان به اقتضای جایگاه فرماندهی کل قوا و مدیریت عالی صحنه، حضورشان در پناهگاه و دور از فضای گرم میدان، می‌توانست سبب انزوا و کاهش سرعت و ابتکار عمل ایشان شود. دلیل دیگر این است که ایشان خود را از جنس مردم و همراه با آن‌ها می‌دانستند و حاضر

به حضور در پناهگاه و فضای امن اختصاصی نشدند. همچنین به دلیل اشراف بالای اطلاعاتی دشمن در اقدام به ترور و ابزارهایی که توسعه داده بودند، پناهگاه نیز نقطه امن صددرصدی به حساب نمی‌آمد. افزون بر این طی ماه‌های اخیر دستگاه پروپاگاندای دشمن با القای ترس و دروغ‌نمایی حضور رهبری در طبقات زیر زمین یا فرار ایشان به کشورهایی مانند روسیه، سعی در القای ضعف و سستی در مدیریت عالی ایران داشتند که نحوه شهادت رهبر انقلاب، به کلی این پروژۀ سنگین رسانه‌ای دشمن را باطل و به ضد خودش تبدیل کرد. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که عدم حضور ایشان در پناهگاه، به معنای غافلگیری نیست چراکه در ایام اخیر، کشور در آمادگی کامل قرار داشته و حمله دشمن نیز پیش‌بینی می‌شد؛ همچنین واکنش قاطع و سریع ایران، حدود ۳ ساعت پس از تجاوز دشمن نیز بر این آمادگی صحه می‌گذارد. در واقع، بازاردارنده اصلی دشمن از تعدی به ساحت مطهر ایشان، بیشتر ناشی از ترس و وا همه دشمن از واکنش ایران و جامعه مسلمانان بود که در این تجاوز اخیر، دشمن با مشاهده کفایت و ایستادگی ایشان و ناامیدی کامل از ضعف و تسلیم او، با یک خطای محاسباتی، اقدام به ترور ایشان کرده و هزینه سنگین آن را نیز باید بپردازد.

۵

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های نبی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

عدم پذیرش ولایت طاغوت، حقیقت دین است

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ افتتاحی در تاریخ جهان ایجاد کرد که وسعت مقیاس آن، در امتداد حرکت انبیا و اولیاء الهی قرار گرفته است؛ لذا ماموریت اصلی انقلاب اسلامی در زمینه‌چینی ظهور حضرت حجت ^{عجل الله تعالی فرجه} تعریف می‌شود و رهبر انقلاب به مثابه نماد ملت انقلابی ایران، با معیار قرار دادن اصل «یسلمَ لمن سالمکم و حربُ لمن حاربکم»، هیچ‌گاه به استکبار جهانی، علی‌الخصوص آمریکا باج نداده و در سخنرانی اخیر خود نیز فرمودند: «مثلی لا یباع مثل یزید» و در آخر با شهادت خود اثبات کردند که تا پای جان، پای این آرمان هستند؛ رهبر شهید انقلاب، برای توسعه امکان مبارزه با طاغوت، ایران را به آمادگی نظامی حداکثری رساندند تا ملت ایران بتواند برای دست‌یابی به آرمان‌های انقلاب

مبنی بر استقلال و آزادی، در برابر دشمن مستکبر مقاومت کند. این مقاومت در برابر پذیرش ولایت طاغوت و مبارزه با آن -که رهبری ت فدا کردن جان خود پای آن ایستادند- اساس و بنیاد معنای دین‌داری است، چراکه حقیقت دین، تولی به ولایت امام است و پیش‌شرط تولی حقیقی به ولایت امام، نفرت و مبارزه با ولایت طاغوت است؛ در سوره مبارکه بقره، خداوند متعال ابتدا کفر به طاغوت را عنوان و سپس ایمان را مطرح می‌کند «فمن یקר بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی»؛ این مبارزه با طاغوت، معنابخش تمام کنشگری‌های انسان و جامعه است تا حدی که ایمان یک انسان و جامعه زمانی از منظر خداوند پذیرفته می‌شود که به ولایت طاغوت باج ندهد و حاضر به پذیرش ولایت او نشود. لذا تصمیمات رهبر انقلاب اسلامی در طول تاریخ انقلاب اسلامی مبنی بر عدم پذیرش ولایت طاغوت، امکان عمیق‌ترین لایه دین‌داری را برای ملت ایران و ملت‌های مسلمان مقاومت فراهم آورده بود.

پیام ششم

نظام جمهوری اسلامی وابسته به شخص نیست و از

عهده‌دار جنگ برمی‌آید



طرزحی و نقشۀ دشمن آمریکایی .صهیونی در آغاز و استمرار جنگ رضانی اخیر بر این تصوّر و فرضیه استوار است که با زدن رأس نظام، کشور فرومی‌پاشد و مهپای تسلیم می‌شود. آنها این انگاره را در جنگ ۱۲ روزه هم تجربه کرده و رأس ساختار نظامی کشور را به شهادت رسانده بودند، اما این بار پا را فراتر گذاشتند و جنگ را با

شهادت رهبری نظام آغاز کردند. تصوّر آنها این بود که علت عدم توفیقشان در فروپاشی ذهنی نظام، شخص رهبری نظام بود و اگر این بار جنگ را با ترور ایشان شروع کنند، به هدف موردنظر خواهند رسید. فقدان هریک از کارگزاران نظام یا فرماندهان نظامی که محصول تجربۀ متراکم جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه حکمرانی ست، حقیقتاً خسران بزرگی برای کشور است. فقدان شخصیت عظیم‌الشأن رهبر انقلاب که ستون خیمۀ نظام اسلامی برای همهٔ مردم و مسئولان کشور محسوب می‌شدند، نیز ذاتی بی‌تسلی است که تا دهه‌ها بر دل مردم ایران خواهند ماند؛ اما باین وجود، باید توجه کرد نظام جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه به یک «ساخت سیاسی مستحکم» تبدیل شده است. شخصیت‌ها بسیار مؤثر هستند، اما مجموعهٔ نظام به سطحی از «بلوغ نهادی» رسیده که دیگر وابسته به اشخاص نیست.

رهبر شهید انقلاب اسلامی طی سی و هفت سال رهبری، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری نظام را به یک بلوغی رسانده‌اند که با تکانه‌های سنگین برون‌زا و ساخته و پرداختۀ دشمن، به‌دشواری و سختی می‌افتد اما فرو نمی‌پاشد. این وضعیت نهادی، ادعای مافیایی و دیکتاتوری بودن نظام سیاسی ما را ابطال می‌کند. ساختار سیاسی جمهوری اسلامی واجد نوعی «توان تصمیم‌گیری غیرمتمرکز» شده که انعطاف‌پذیری نظام را در شرایط خطر جنگ بالا برده است. این وضعیت نهادی نوید می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی حتّی در شرایط فقدان شخصیت شهید آیت‌الله خامنه‌ای، باز هم می‌تواند از عهدۀ ادارهٔ جنگ برآید و این محصول تلاش‌های زیرساختی رهبر شهید انقلاب است.

پیام پنجم

۷

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های نبی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

ملت ایران، درس‌های اسلامی و شیعی خودش را

خوب بلد است



یکی از مهم‌ترین پایه‌های شکل‌گیری و تدوام انقلاب اسلامی، انقلاب در قلوب مردم ایران و تغییر بنیادین در نسبت‌گیری آنها با امر سیاسی و اجتماعی بوده است. این تغییر بنیادی در جامعه ایرانی و حضور اثرگذار و مسئولانه آحاد جامعه در تعیین سرنوشت جامعه، باعث عبور ایران از گذشته‌های سخت انقلاب از ابتدا تا کنون بوده است. علت این حضور و مشارکت در جامعه را می‌توان در وجود زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی برای ایجاد امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی دانست که به واسطه امام ^{رضی الله عنه} زنده شد. امام ^{رضی الله عنه} با ایجاد شبکه از ارتباطات نهادی میان نهادهای خانواده، دین، و سیاست، انقلاب اسلامی را پیروز کرد و در ادامه، رهبران انقلاب با اعتماد به امت خود، یک نوع مسئولیت‌پذیری دینی، سیاسی و اجتماعی را در جامعه نهادینه کرده و جامعه نیز با تجربه وقایع مختلف بعد از انقلاب این مسئولیت را پذیرفت، بر آن آگاه شد و در تحقق تعیین سرنوشت خود، آن را بر دوش کشید. اکنون در سطحی هستتیم که هم دولت و هم بدنه نیروهای فعال فرهنگی و اجتماعی در بعد نظری و عملی به این موضوع آگاه هستند که کارهای زیاد و بزرگی را گروه‌های مردمی می‌توانند برعهده بگیرند و از آن طرف دولت‌ها نیز می‌دانند که در مواجهه با شرایط بحرانی به‌تنهایی امکان مدیریت کارآمد موقعیت‌ها را ندارند. جامعه ما گویی طی سال‌های گذشته رزمایش‌هایی را در سیل، زلزله، کرونا، شهادت شهید سلیمانی و شهید رئیسی، انتخابات و اغتشاشات چند سال اخیر برای موقعیت فعلی انجام داد تا در موقعیت جنگ واقعی و اصلی بهترین عملکرد را داشته باشد. حضور آگاهانه مردم در جنگ اصلی و سرنوشت‌ساز، چون از درون ساختارهای فرهنگی جامعه جوشید؛ لذا باعث شد که اولاً دشمنان نتوانند در سطح وسیع و تعداد بالا عملیات کنند و ثانیاً در محیط نزدیک فعال شدند و نسبتی بین مسئولیت‌پذیری این مجموعه‌ها و جامعه اطراف خود به شکل جهادی به وجود آوردند. در تجربه انقلاب اسلامی مردم به تحول در فهم جایگاه خود اشعار عملی پیدا کرده و در دل ساختارهای فرهنگی و تاریخی قبلی، ماهیت انقلاب اسلامی پیدا کرده‌اند.

۸

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های نبی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

سیل عزاداری مردم، اقلیت سازمان‌یافته دشمن را

متزلزل ساخته است



به‌محض انتشار خبر شهادت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، سیل خروشان ملت غیور و انقلابی ایران، خیابان‌های کشور را مملو از جمعیت عزادار کرد و مردم به‌صورت خودجوش و بدون سازماندهی قبلی رسمی و دولتی، اقدام به تجمع، عزاداری و دادن شعار علیه رژیم جنایت‌کار اسرائیل و آمریکای خون‌خوار

کردند و شدیداً مطالبه داشتند تا انتقام خون رهبر انقلاب با نابودی رژیم جعلی اسرائیل و ازین‌بردن کامل قدرت آمریکا در منطقه گرفته شود. حضور گسترده ملت ایران به‌طور مداوم در خیابان‌های کشور برقرار بود تا اینکه جمععات و راهپیمایی‌ها به شکل گسترده‌تر رخ داد و فضای خیابان‌های شهر را علی‌رغم حملات وحشیانه دشمن، به فضایی کاملاً مقاوم و انقلابی تبدیل کرد. این حضور شجاعانه و عزادارانه ملت ایران که به مطالبه شدیدترین حملات علیه دشمن مشغول بود، توانست ذهنیت دشمنان را نسبت به واقعیت جامعه ایران تغییر داده و نشان دهد جامعه ایران، پشتیبان انقلاب، جان فدای آن و آماده جهاد و مبارزه برای دفاع از آن است. در نتیجه سناریوی دشمن مبنی بر فعال‌سازی اقلیت‌های سازمان‌یافته برای شورش در خیابان و انجام عملیات‌های تروریستی به شکست گرایید و اقلیت‌های سازمان‌یافته داخل کشور نتوانستند بر ترس خود فائق آیند، لذا خود را مخفی نگه داشتند، سکوت کردند و برای حفظ جان خود، دست به هیچ اقدامی نزدند. به همین جهت حفظ این وضعیت حماسی، یک ضرورت راهبردی برای حفظ میدان و خیابان‌های ایران است. امروز مردم مستقیماً به تولید قدرت در جمهوری اسلامی مشغول هستند و این نه تنها یک افتخار ملی، بلکه یک اعجاب بین‌المللی است که ملتی در این مقیاس و عمق، شجاعانه از حاکمیت، استقلال، آزادی و سرنوشت خود و تاریخ خود دفاع می‌کند.

این برترین الگو برای ملت‌های آزادی‌خواه جهان است!